

پیانو - فورته

بمناسبت کنسرت اخیر هنرمند معروف ویتولد مالکوزینسکی

از دکتر مهدی فروغ

دردوره‌ای از تاریخ موسیقی که آنرا دوره رومانتيك نامیده‌اند پیانو از بسیاری از جهات مهم‌ترین و متداولترین آلات موسیقی شناخته می‌شود. علت اظهار علاقه مردم به پیانو که هنوز هم تاحدی ادامه دارد اینست که این ساز از جمیع جهات کامل و جامع است. شاید بتوان گفت که بهترین سبک موسیقی رومانتيك همان تصنیفاتی است که دردوره رومانتيك برای این ساز تصنیف شده است.

پیانو (که باید آنرا بنام کاملش یعنی پیانو - فورته خوانند تا با تعبیر پیانو که اصطلاحی است در موسیقی بمعنی نرم و ملایم اشتباه نشود) سازی است کامل و دارای دامنه صدای وسیع و مستقل و نیازی به همراهی سازهای دیگر ندارد. فلوت و ویولون و حتی آواز عموماً با همراهی سازهای دیگر اجرا می‌شود تا مطبوع باشد و با استثنای قطعات محدودی از قبیل سنات های باخ یا کاپریس های پاگانینی تصنیفاتی که منحصرأ برای یکی از این ساز-

های اخیر ساخته شده باشد بسیار نادر است. در صورتیکه پیانو از این لحاظ کاملاً مستقل میباشد زیرا با پیانو هم لحن (ملدی) و هم آکورد و هم کنترپوان را میتوان نواخت. دلیل اینکه تقریباً در تمام هنرستانهای عالی موسیقی جهان هنرجویان ویولون و فلوت و ویولون سل و حتی آواز موظفاند نواختن پیانورا هم فراگیرند اینست که با این ساز مضامین موسیقی را بهتر میتوان اجرا و ادراک کرد چون جامعتر از سازهای دیگر است. مصنفان بزرگ جهان از قبیل بتهوون و موزار و هایدن و مندلسون و شوپرت و لیست و شوپن و شومن همه با در نواختن پیانو تخصص فوق العاده داشتند و با پیانو ساز تخصصی آنها بوده است.

پیانو هنوز هم با اصطلاح «شیر» آلات موسیقی محسوب میشود. هشتاد و هشت کلید دارد و دامنه‌ای معادل هفت اوکتاو و یک سوم اوکتاو از آن حاصل میشود و این حتی از دامنه صدای یک ارکستر کامل هم بیشتر است. نام این ساز (پیانو - فورتیه) بخودی خود معرف دامنه وسیع صدای آنست یعنی هم لحن‌های بسیار نرم و ملایم را با آن میتوان نواخت و هم صداهائی مثل غرش شیر را میتوان با آن اجرا کرد.

تنها یک نقص بزرگ در پیانو موجود است و آن اینکه صدای آن ضربه‌ایست نه کششی یعنی برخلاف سازهای گروه ویولون یا سازهای بادی که صدای آنها در نتیجه کشیدن آرشه روی سیم یا جریبان متوالی هوا ایجاد میشود صدای پیانو با ضربه‌های مجزا ولی پشت سر هم حاصل میشود. مثلاً ناله‌هایی را که با ویولون میتوان ایجاد کرد در پیانو نمیتوان بوجود آورد و بنابراین زمینه رنگ آمیزی کردن آهنگ با این ساز چندان زیاد نیست ولی همین کیفیت در عین حالی که نقص این ساز است امتیازی محسوب میشود و نوازنده به آن باید قوی و مسلط باشد تا بتواند صدای دلپذیر این ساز را چون قطرات صوتی که بجویبار گوش فرو میچکد بهم پیوند دهد.

ویتولد مالکوزینسکی که بهمت و پابمردی انجمن فیلامونیک تهران وابسته به هنرهای زیبای کشور روز جمعه ۱۴ بهمن ماه در تالار فرهنگ یک رسیتال پیانو اجرا کرد یکی از جمله پیانو نوازان معاصر است که این فن (تکنیک) را بخوبی میداند.

بدون رودر بایستی من اعتراف میکنم که هر وقت يك نوازنده متوسط خارجی برای دادن کنسرت به تهران دعوت میشود در خود احساس و هنر می-کنم و خوشحالم از اینکه انجمن فیلامونیک چندین بار در یکی دو سال اخیر موفق شده است نوازندگان و موسیقیدانهای شایسته احترامی را بمردم پایتخت ما معرفی کند و کنسرت و بتولد مالکوژینسکی یکی از آن موارد نادر بود. برنامه مالکوژینسکی شامل واریاسیونهای بتهوون برای پیانو (که در کشورهای اروپا و آمریکا هم بندرت شنیده میشود) و لیست و برامز و شوپن بود.

سنات لیست درسی مینور از لحاظ استحکام صورت (فرم) و روانی لحن (ملدی) و ابتکارات جالبی که در آن بکار رفته یکی از بهترین آثار است که در دوره رومانیک برای پیانو تصنیف شده است. در این سنات نظم و ترتیب که از خواص آثار دوره کلاسیک است با تعبیرات پر احساس دوره رومانیک در نهایت لطافت بهم در آمیخته و اثری مشکل ولی بدیع بوجود آورده است. تصنیفات لیست عموماً مشکل است زیرا لیست برخلاف شوپن و شوبرت و شومن به اعتبار قدرت و تسلط خارق العاده ای که در نواختن پیانو داشت برای مبتدیان چیزی نساخته و نواختن آثار او فقط از عهده نوازندگان برمی آید که در کار خود اجتهاد کامل داشته باشند. مالکوژینسکی سنات سی مینور لیست را با قدرت و مهارت کامل تعبیر و تفسیر کرد. آکوردهای محکم و بر صلابت و نواهای لطیف آنرا بدون ادا و اطوارهای زائد که شیوه متظاهران است در کمال فصاحت بیان نمود.

قسمت دوم برنامه مالکوژینسکی اختصاص به برامز و شوپن داشت. بطور قطع و مسلم میتوان گفت نخستین باری بود که آثار شوپن آنطور که حقاً شایسته آنست در تهران اجرا شد.

در بین مصنفان موسیقی که برای پیانو آثار ساخته اند شوپن مسلماً مقام اول را دارد. از اینرو معمولاً مجال است کنسرتی از پیانو داده شود و آثار شوپن در آن نباشد. شوپن قسمت اعظم آثار خود را برای پیانو ساخته و توفیق او بیشتر در تصنیف قطعات کوچک بوده است و اگر عمر کوتاه (۱۸۱۰ - ۱۸۴۹ میلادی) و مزاج علیل او را در نظر بگیریم باید او را یکی

از مبتکرترین مصنفان جهان بشماریم. لطافت و زیبایی آثار شوپن بیش از همه در لحنهای متنوع آنست که بدون توسل به کنترپوان بامهارت فراوان یکی پس از دیگری تارهای جان انسان را نوازش میدهد. هر یک از این لحنها ترکیبی کاملاً بدیع و مستقل است از اصوات که بصورت بسیار عمیق و پرمعنا تصنیف شده است.

فانتزی بقطعاتی اطلاق میشود که از حیث ظاهر و معنا چندان مقید بسبک بخصوصی نباشد. فانتزی فامینور شوپن از جمله آثار بسیار بزرگ او محسوب میشود و شاید بهمین دلیل بوده که آنرا به انواع مختلف عناوین از جمله «غول مهیب آشوب و هیجان» نامیده اند. «تم» های این قطعه در نهایت زیبایی تنظیم شده و مستعد برای هر نوع تحول و تنوع است و شاید کاملترین اثری باشد برای معرفی روحیه پرهیجان شوپن در چند ساله آخر عمر کوتاهش.

نکتورن اصطلاحی است که در سده نوزدهم به قطعات تغزلی کوتاه و عارفانه اطلاق میشد. نکتورنهای شوپن همه یک احساس آرزو و تلاش شدیدی را بشخص الهام میکنند که با ابر تیره ای از یأس و حرمان پوشیده باشد. این قطعه معرف اعصاب از هم گسیخته کسی است که در عشق شکست خورده و از خود مأیوس شده است. خشم و یأس هر دو در آن نمایان است. نکتورن های شوپن بهترین معرف روحیه و احساس مصنف میباشد.

والسهای شوپن را از یک لحاظ با والسهای مصنفان دیگر از قبیل اشتراوس بهیچ وجه نمیتوان مقایسه کرد و از لحاظ عمق احساس با سایر آثار خود شوپن هم قابل مقایسه نیست و شاید میتوان آنها را معرف احساسات سطحی او بشمار آورد.

مازورکا نام رقص محلی سه ضربی لهستانی است که ضرب سوم آن قوی است و بیشتر حالت بوالهوسی و بی بندوباری را بشخص الهام میکند. شوپن متجاوز از پنجاه مازورکا نوشته که همه از لحاظ ترکیب با هم متفاوت ولی از لحاظ احساس یکسان است. برای حفظ حالت این قطعات و ایجاد یک سلسله هیجانات شدید شوپن گاهی از قواعد و اصول موسیقی عدول کرده و فقط گوش خود را ملاک تشخیص آن ترکیبات غیر معمولی قرار داده است. در مازورکا ترکیباتی که نوازنده با آن بتواند قدرت نمائی کند نیست و از

اینرو کمتر در کنسرت‌های بزرگ نواخته میشود ولی جای بسیار خوشبختی بود که در کنسرت مورد بحث از آن صرف نظر نشده بود .

اسکرتزو عنوان چهار قطعه از ساخته های شوپن است که یکی از از آنها در برنامه کنسرت قید شده بود . اسکرتزوهای شوپن قطعاتی است که اجرای آن نیاز به قدرت و تسلط فنی زیاد دارد و فقط نوازندگان که از لحاظ فن نوازندگی فوق العاده قوی هستند از عهده اجرای آن برمی آیند . احساس شدید و هیجانات پر دامنه آن فراوان است . مثل اینکه شوپن نیروی وحشی خود را در این قطعات توصیف کرده است .

این احساسات متنوع و پرنشیب و فراز در سبک اجرای مالکوژینسکی بخوبی منعکس بود و نکته ای که واقعاً نظر شخص را جلب میکرد این بود که این نوازنده چابک دست با پنجه های فولادین خود کلیدهای پیانورا بقدری استوار و درعین حال لطیف ، به کیفیتی بصدا درمی آورد که گویی حبابهای بلورین از فضای خیال فرو میریخت و اوج و حضیض این نغمات را که معرف تلاطم و هیجان روحی مصنف آن بود مثل دریائی آرام که جوش و خروشی در سینه نهان دارد توصیف میکرد . امیدوارم وسیله دعوت اینگونه نوازندگان که از حیث فضائل و کمالات هنری ممکن است سرمشق واقع شوند از این پس بیشتر فراهم شود .

رساله جامع علوم انسانی